

جامعه‌شناسی تاریخی (Historical Sociology)

بررسی روش علمی در شناخت جامعه‌شناسی تاریخی با تکیه بر قلمرو موضوعی و مفهومی آن
در مقایسه با رشته‌های علوم اجتماعی

شهرام پناهی خیایوی

عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی شهر بابک (گروه تاریخ)

دانشجوی دکتری دانشگاه آزاد اسلامی - واحد علوم و تحقیقات تهران

چکیده

جامعه‌شناسی تاریخی، قلمروی جدید از مطالعات میان رشته‌ای است. با نقادی جامعه‌شناسی تجربه‌گرا و تاریخنگاری سنتی زمینه نزدیکی مورخان و جامعه‌شناسان فراهم آمد. برخی از مکاتب تاریخی چون آنال در این باره نقش جدی داشتند. پژوهش حاضر ضمن بررسی موضوع و قلمرو تاریخ اجتماعی، زمینه شکل‌گیری جامعه‌شناسی تاریخی را توضیح داده است. جامعه‌شناسی تاریخی به بررسی تحولات تاریخی به هدف دست‌یابی قوانین عام جهان شمول می‌پردازد.

واژگان کلیدی

تاریخ - جامعه‌شناسی - تاریخ اجتماعی - جامعه‌شناس تاریخی.

در سال‌های اخیر توجه مورخان و جامعه‌شناسان به استفاده از دستاوردهای علوم همدیگر توسعه فوق‌العاده‌ای یافته است.^۱ این رویکرد «میان رشته‌ای»^۲ برای کارورزان هر دو رشته، خصوصاً مورخان متذکر این نکته است که پژوهش‌های جدید تاریخی، به‌ویژه آن دسته از پژوهش‌ها که برالگوهای نظری برگرفته از مطالعات جامعه‌شناسان مبتنی هستند در زمینه ارائه تصویری کلان‌نگر از ساختار سیاسی، اجتماعی و اقتصادی در گذشته از دید مفاهیم موجود در الگوی مطالعاتی، دستاوردهای مشخصی دارند که این‌گونه پژوهش‌ها را از تحقیقات صرفاً تاریخ‌نگارانه که معمولاً مورخان با تأکید بر سنت‌های تاریخ‌نگاری خویش انجام می‌دهند متمایز می‌کند. این رشته از فعالیت‌ها هنگامی که از ماهیت مطالعات بین رشته‌ای در روند پژوهش بهره‌مند شوند دستاوردهای خاص و مطمئنی در مباحث تئوریک و مسئله‌یابی‌های جدید در فرایند تحقیق خواهند داشت.

با آنچه در سطور پیشین رفت، نگارنده مقاله ضمن باز نمود ماهیت مطالعاتی «جامعه‌شناسی تاریخی»^۳ در این مجموعه، به طرح این مسئله می‌پردازد که: روش علمی در شناخت جامعه‌شناسی تاریخی با تکیه بر قلمرو موضوعی و مفهومی آن در مقایسه با رشته‌های علوم اجتماعی چیست؟

در پاسخ به این سؤال، نگارنده ضمن نگاهی گذرا به سابقه و زمینه‌های بحث‌های مربوط به تاریخ و جامعه‌شناسی و همگرایی دو رشته از رنسانس به بعد، سعی در ارائه چارچوبی از قلمرو موضوعی برخی رشته‌های علوم اجتماعی که در شناخت جامعه‌شناسی تاریخی مدخلیت دارد می‌نماید. مفاهیم اساسی در این رابطه عبارتند از: تاریخ، تاریخ اجتماعی، تاریخ جامعه‌شناسی، و جامعه‌شناسی.

در تلاش خواهیم بود که در این بازگفت، ضمن معناکاوی مفاهیم فوق، چگونگی رابطه بین جامعه‌شناسی و تاریخ و روش‌های تحقیقاتی کارورزان دو رشته را (وجوه افتراق و اشتراک آنان)، به‌عنوان الگوهایی از همزیستی بین دو رشته تبیین نموده و پی‌آیند این بررسی را در تحلیل مان از کارایی نهایی رسالت جامعه‌شناسی تاریخی، به‌عنوان نوعی مطالعه بین رشته‌ای ارائه دهیم که روش‌های مطالعه و بررسی متخصصان جامعه‌شناسی تاریخی، نیز بخشی از چشم‌انداز اصلی این بازجست می‌باشد.

۱- تاریخ و رویکردهای تاریخی در مطالعات جامعه‌شناسی نوین

تاریخ عبارتست از تعریف و توصیف وقایع گذشته و تجزیه و تحلیل انتقادی این وقایع به نحوی که حقایق گذشته را روشن و مشخص سازد، به این ترتیب تاریخ مطالعه تمام وقایع مربوط به انسان‌های گذشته را در بر می‌گیرد، این مجموعه باید به صورت جریانی از حوادث تعریف و تبیین گردد (نبوی، ص ۶۵).

در بازتافت ماهیت پدیده‌های تاریخی، مهمترین موضوعات قابل ملاحظه اینست که حوادث تاریخی زنده نیستند،^۴ بلکه به گذشته دور یا نزدیک مرتبطند، از این رو درک و فهم مستقیم آنها ممکن نیست و همواره با واسطه مطالعه می‌شوند (ساروخانی، ج ۲، ص ۲۱).
بر این اساس مورخان هر بار که با مسائلی روبه‌رو می‌شوند چنین تصور می‌کنند که آن مسائل دارای کیفیتی خاص، منحصر به فرد و غیر قابل لمس با مسائل گذشته می‌باشند (بوتو، ص ۴۹).

در نوعی رویکرد متناقض با این تعریف - که ریشه در نظرات تنگ‌نظرانه قبل از قرن نوزدهم میلادی دارد -^۵ برخی معتقدند که اگر تاریخ فقط شامل وقایع جدا از هم و تک‌نگاری‌های زمان گذشته نباشد، قادر خواهد بود که ما را در تبیین علل مسائل اجتماعی زمان‌های گذشته یاری رساند (نبوی، ص ۶۶).

نگره‌ی ذهنی معتقدان به این نظر بر ضرورت شناخت تغییرات اجتماعی تأکید دارد و آنچه در این رابطه اصالت دارد ایستاشناسی نیست بلکه پویاشناسی می‌باشد، زیرا حرکت در بطن همه پدیده هاست و هر آن هر پدیده اجتماعی با آن روبه‌روست، بنابراین از مهمترین فواید شناخت تاریخی و پدیده‌های تاریخی سنجش و اندازه‌گیری دگرگونی‌ها و مسیر آهنگ آنهاست (ساروخانی، ج ۲، ص ۲۰۱-۱۹۵).

در همین راستا می‌توان ارتباط تاریخ با جامعه‌شناسی را زیر نظر قرار داد. گرچه برخی دیدگاه‌های قالبی در بین اهل تاریخ وجود دارد که منکر وجودی اهمیت مطالعات جامعه‌شناسی می‌شوند و معتقدند که اگر حتی یک لحظه از زمان مطالعه یک پدیده اجتماعی بگذرد جنبه تاریخی پیدا می‌کند^۶ ولی مسلم آنست که شناخت تاریخی امری نسبی است و باید دید که آیا می‌توان از قانون تاریخی سخن گفت؟ با این حال مورخ ابتدا از میان وقایع دست به انتخاب می‌زند و با استفاده از مدارک موجود در رابطه با هدفش، گذشته را بازسازی می‌کند. بنابراین هدف تاریخ شناسایی زندگی اجتماعی بر اساس مشخصات زمانی و مکانی

به طور کلی است و بر حسب موضوع به شعب دینی، علمی، ادبی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی قابل تقسیم است (محسنی، جامعه‌شناسی عمومی، ص ۳۴).

تاریخ در ارتباط با مطالعه جوامع انسانی در شکل جمعی آن در ارتباط با جامعه‌شناسی قرار می‌گیرد و از آنجا که حوادث تاریخی هرگز تماماً در اسناد و مدارک جای نمی‌گیرد، مورخ ناچار است از روش‌های استنتاجی^۸ جامعه‌شناسی جهت تکمیل خلاء استفاده کند که طبیعتاً عنصری تازه بر واقعیت‌های مورد بررسی از این طریق می‌افزاید (ساروخانی، ج ۲، ص ۲۰۱). با این درآمد، مورخان پژوهش‌های تاریخی مفصل و گسترده‌ای را می‌توانند در چارچوب علم جامعه‌شناسی در امر بررسی پدیده‌ها مد نظر قرار دهند. مثلاً جهت شناخت سلوک بروکراسی امروزی ایران بررسی و ارزیابی ساخت اجتماعی سده نوزدهم میلادی ایران لازم و ضروری است (فرمانفرمایان، تاریخنگاری در ایران، ص ۱۸۶).

۲- جامعه‌شناسی و پایگاه آن در قلمرو پدیده‌های تاریخی

جامعه‌شناسی را علمی تعریف می‌نمایند که به شناخت پدیده‌ها و امور اجتماعی پرداخته و قوانین حاکم بر سیر تکامل و ترقی جوامع انسانی را در می‌یابد (محمد فرهانی، ص ۹۱).

اگوست کنت (August Comt) فرانسوی نخستین کسی بود که جامعه‌شناسی را در سال ۱۸۳۹م. به عنوان علم مستقل اعلام کرد و آن را علم مطالعه اثباتی^۹ مجموعه قوانین اساسی و خاص پدیده‌های اجتماعی دانست و معتقد بود که در بررسی امور اجتماعی، به جای خیال‌پردازی و فلسفه‌بافی، می‌بایست به روش علمی یعنی همان روش علوم طبیعی که مبتنی بر مشاهده، آزمایش و تجربه هستند توسل جست (قلی‌زاده، ص ۱۴ - ۱۳).

جامعه‌شناسی به کمک روش‌های علمی خاص،^{۱۰} نهادها، روابط و رفتارهای اجتماعی انسان را از نظر ساخت، کارکرد، پویا و دگرگونی مورد بررسی، تجزیه و تحلیل، مقایسه و طبقه‌بندی قرار می‌دهد (محسنی، مقدمات جامعه‌شناسی، ص ۱۵).

بنابراین راهبرد بدیل جامعه‌شناسی، مطالعه و بررسی جوامع انسانی با تکیه بر تعمیم‌های کلی (درباره ساختارها، کارکردها) روند توسعه و تحول آن می‌باشد (برک، فلسفه تاریخ ...، ص ۴۱۱).

حال در بررسی پایگاه جامعه‌شناسی در بررسی پدیده‌های تاریخی، باید دید که جامعه‌شناسی در حیطة دنیای تاریخ در جستجوی چیست؟

در وجه تمایز جامعه‌شناسی با تاریخ این گونه مطرح می‌شود که در این رشته مطالعه زندگی اجتماعی انسان بدون توجه به تقسیمات زمانی و مکانی برای دستیابی به تبیین و تحلیل جامعه انسانی مد نظر می‌باشد (قلی‌زاده، ص ۲۵).

البته متذکر شویم زمانی که جامعه‌شناسان با اتکاء به صرف تجربه به تعمیم‌های کلی درباره «جامعه» می‌پردازند یا بدون در نظر گرفتن فرایندهای بلندمدت به بحث و بررسی تحولات اجتماعی می‌پردازند، در معرض نوعی جمود فکری زمانی (نه مکانی) قرار می‌گیرند (برک، فلسفه تاریخ...، ص ۴۱۱).

بنابراین یک جامعه‌شناس در صورت تصمیم به تحقیق در باب جوامع، تنها از طریق مقایسه یک جامعه با جوامع دیگر می‌تواند کشف نماید که هر جامعه‌ای از چه جهاتی واجد ویژگی‌هایی در نوع خود می‌باشد و از این طریق دریابد که چگونه تغییر و تحولات جوامع قالب ساختاری داشته و ساختارها نیز دستخوش تغییر و تحول^{۱۱} می‌گردند (همان، ص ۴۱۱).

بدین ترتیب جامعه‌شناسان در گذشته نگری اجتناب‌ناپذیر خود به شدت به تاریخ نیازمندند، دانش تاریخ به شناختی تام مانند جامعه‌شناسی می‌پردازد، هر دو دانش کلی‌نگر هستند، دانش تاریخ کلیت‌های منفصل را می‌بیند یعنی هر دوران را در کلیت خود جدا از دوران‌های دیگر بررسی می‌کند و حال آنکه جامعه‌شناسی کلیت‌های متصل را می‌جوید و از این طریق درصدد است که خطوط مشترک کلیت‌های تاریخی را بیابد^{۱۲} و روندهای حرکت را استخراج و قوانین حاکم بر این روندها را کشف کند (ساروخانی، ج ۲، ص ۲۲۰ - ۲۱۹).

بدین ترتیب ارائه نظریات جدید اجتماعی، رشد و غنای هر چه بیشتر جامعه‌شناسی و ژرف‌اندیشی در حوزه نظریه اجتماعی بدون حضور فاکتورها و داده‌های معتبر تاریخی و استفاده از مدارک اسنادی و منابع تاریخی کاری چندان علمی و جدی نخواهد بود (برک، فلسفه تاریخ...، ص ۴۰۹).

۳- تاریخ اجتماعی و تاریخ جامعه‌شناسی

در سطور پیشین به بررسی مسائل اساسی در همگرایی و همزیستی جامعه‌شناسی و تاریخ پرداختیم و به دنبال یافتن روزهایی برای تماس و پیوند جامعه‌شناسی و تاریخ به این موضع مهم برای مورخان اشارت رفت که هدف، جایگزین ساختن تاریخ سنتی با چیزی بود که آن را تاریخی گسترده‌تر و انسانی‌تر خوانند، تاریخی که تمامی عرصه‌های فعالیت انسان‌ها را در

برگرفته و کمتر به نقل حوادث و وقایع می‌پرداخت و بیشتر متوجه تحلیل ساختارها بود. حال آنکه تاریخ اجتماعی نیز در این نوع رویکرد باوری شکل و قوام گرفته است، اصطلاحی که مورد توجه وافر مورخان فرانسوی مکتب آنال^{۱۳} قرار گرفت (برک، فلسفه تاریخی...، ص ۴۳۰).

بر این اساس بازتابگری اندیشه تاریخ اجتماعی با بنیانگذاری سالنامه اجتماعی آنال در سال ۱۹۲۹م. توسط لوسین فور و مارک بلوخ^{۱۴} در فرانسه همراه است که در واقع اعتراضی به سيطرة تاریخ‌نگاری سیاسی بر تاریخ‌نگاری اروپا بود. جنگ جهانی دوم در مکتب آنال وقفه‌ای ایجاد نمود و تاریخ اجتماعی در واقع از دهه ۱۹۵۰ میلادی به بعد به‌عنوان یک نحله مستقل از تاریخ‌نگاری مطرح می‌شود^{۱۵} (مورخان و تاریخ اجتماعی، کتاب ماه، تاریخ و جغرافیا، ص ۹).

از نکات ویژگی‌نگر تاریخ اجتماعی همانا بررسی تک‌تک جوامع در گذشته می‌باشد و در طرح شناسه‌هایی در میدان‌انگبختار محققان این حوزه مطالعاتی تاریخی این ملاحظات قابل ذکر می‌باشند: تاریخ اجتماعی، تاریخ گروه‌ها و طبقات فرودست جامعه است و «بود و باش» آنها، جنبش‌های اجتماعی و نقششان در فرایند تکوینی جامعه، در این حوزه مرکز ثقل تاریخ اجتماعی بیشتر پرداختن به اعتراضات گروه‌های فرودست جامعه است و این اعتراضات نشانگر ساختارهای اجتماعی و سیاسی جوامع در گذشته می‌باشد. در این حوزه بیشتر کارکرد تاریخ اجتماعی مد نظر می‌باشد. دومین شناسه، فعالیت اجتماعی انسان‌هاست و در اینجا گروه‌های فرودست مطرح نمی‌باشند بلکه حوزه وسیع‌تری از تمامی مردم که صرفاً زندگی آنها کانون توجه است. در این مرحله کمتر سایه‌ای از سیاست می‌باشد و به‌همین دلیل است که از تاریخ سیاسی فاصله می‌گیرد. سومین شناسه‌ای که در تاریخ اجتماعی قابل طرح است، تاریخ اقتصادی می‌باشد که مورخان تاریخ اجتماعی از این طریق سیاق معیشت مردمان را بررسی می‌نمایند - و نه لزوماً وجوه تولیدی که در جامعه وجود دارد - اینها حوزه‌های قابل شناسایی در تاریخ اجتماعی هستند. بنابراین از مباحث عمده تاریخ‌نگاری اجتماعی، تاریخ‌نگاری از پایین می‌باشد^{۱۶} و از دیگر مباحث آن مکتب تاریخ‌نگاری سوبالترن^{۱۷} می‌باشد.

بدین ترتیب، برخی در تبیین تاریخ اجتماعی به منشاء می‌پردازند و برخی به طبقات فرودست جامعه و به «بود و باش» آنها نظر دارند و اینها حوزه‌هایی هستند که برای رسیدن به آن باید یکسری ابزار و تکنیک‌هایی در اختیار پژوهشگران این حوزه قرار گیرد و نکته قابل ملاحظه آنست که محققان این روش‌ها^{۱۸} را نه در متدهای تاریخی بلکه از علوم نظری (همان،

ص ۱۲ - ۱۱)، منجمله جامعه‌شناسی در می‌یابند.

از دیگر مفاهیم ما در این بررسی، (تاریخ جامعه‌شناسی)^{۱۹} می‌باشد که به‌طور دقیق شعبه خاصی از مطالعات جامعه‌شناسی نیست و عبارتست از به‌کار بستن روش‌های تحقیق تاریخی در موضوع سیر و تطور عقاید جامعه‌شناسی، تاریخ جامعه‌شناسی نه تنها سعی می‌نماید که تلاش‌های فکری دانشمندان قرون گذشته را در راه تکامل علم جامعه‌شناسی به‌کمک روش‌های دقیق تحلیل و مورد بررسی قرار دهد بلکه کوشش دارد که نظریات مربوط به‌انسان و جامعه را که بیشتر «فلسفه اجتماعی»^{۲۰} خوانده می‌شود، در راستای جامعه‌شناسی علمی تدوین و تحلیل نماید بدین جهت به‌طور مثال اگر افلاطون جامعه‌شناس نبود در تاریخ جامعه‌شناسی دارای مقام مهمی است زیرا که آراء فلسفی و نظرات گوناگونی در مورد انسان و جامعه بیان داشته است (روسک، وارن، ص ۲۹۵).

۴- جامعه‌شناسی تاریخی و روش‌های بررسی و مطالعه آن

جامعه‌شناسی تاریخی متأثر از همگرایی «تاریخ» و «جامعه‌شناسی»، پس از تحولات روش‌شناسیک مطالعاتی عصر رنسانس در علوم اجتماعی می‌باشد که در فرایند دوری و نزدیکی آن در طی قرون ۱۸ و ۱۹م. نهایتاً به‌ضرورت تقابل منطقی همکاری و مقارنه این دو حوزه در قرن بیستم میلادی منجر و پس از تجربه‌های فراوان محققان در این سده به‌نوعی التقاط‌گرایی دو رشته و احیای جامعه‌شناسی تاریخی در دهه ۱۹۸۰م. به‌عنوان مطالعات بین‌رشته‌ای انجامید.^{۲۱} به‌عنوان سرسُخن این مبحث و در انگاشت‌یابی جامعه‌شناسان از معنا بافتی این اصطلاح اذعان می‌داریم که آنان «جامعه‌شناسی تاریخی» را شعبه‌ای از جامعه‌شناسی می‌دانند که با استفاده از اطلاعات تاریخی به‌عنوان مبنای تحقیق می‌توان به تدوین اصول علمی و تعمیم کلی پرداخت. بدین ترتیب به‌جای آنکه حوادث منحصر به‌فرد تاریخی یا توالی وقایع را یکایک مورد توجه قرار دهند، سعی می‌نمایند که انگاره‌های وقایع تاریخی را کشف نمایند. به این ترتیب جامعه‌شناسی تاریخی بر آن است که با توجه به وقایع تاریخی زمان گذشته، اصولی قابل شمول استخراج کند (روسک، وارن، ص ۲۹۴ و نک: ساروخانی، ج ۲، ص ۲۱۴، ۲۱۵ و ۲۱۷).

بنابراین پایه‌ی دستیافت‌نهایی پژوهشگران جامعه‌شناسی تاریخی، یافتن قوانین و قواعد حاکم بر تغییرات اجتماعی در گذشته می‌باشد. هدف اصلی این خواهد بود که گزارش‌هایی از

روند تغییر جوامع در گذشته و حال ارائه نمایند به این امید که این گونه تلاش‌ها بتوانند به ساخت یک «مدل» اصلاح شده کلی کمک نموده و رابطه حل نشده بین رویدادها^{۲۲} و ساخت‌ها،^{۲۳} آشکار گردند (برک، تاریخ و نظریه اجتماعی، ص ۱۶۳).

پی‌آیند کوشش‌هایی که در رابطه با ارائه «مدل‌ها» تا دهه ۱۹۸۰م. صورت پذیرفته، زمینه بحث‌های روشمندان در ماهیت مطالعاتی جامعه‌شناسی تاریخی را فراهم نموده است.

از آغاز شروع چنین بحث‌هایی «مدل‌ها» یا «نظریات» گوناگونی در رابطه با تغییر اجتماعی مطرح گردیده که به تعدادی انواع اصلی تقسیم می‌شوند.^{۲۴} در این میان، دو مدل تکامل و تضاد متعلق به اسپنسر و مارکس از همه مشهورترند. مدل پیشرفته نظریه تکامل اجتماعی اسپنسر، روند تغییر اجتماعی را به عنوان تحولی از درون در نظر گرفته (برحسب تمایز ساختاری)^{۲۵} که جهان خارج در این مدل تنها برای فراهم آوردن انگیزه جهت اقتباس به حساب می‌آید. در این مدل مباحثی از جمله جامعه سنتی، جامعه مدرن و انواع تضادها مطرح می‌گردد (همان، ص ۱۶۶ - ۱۶۵) و در مدل تضاد مارکس در مورد تغییر اجتماعی، نکته قابل ملاحظه ساخت‌های اجتماعی^{۲۶} است که مبتنی بر سیستم‌های اقتصادی و شیوه‌های تولید^{۲۷} عمل می‌کنند و در بردارنده تضاد درونی (انواع تناقض‌ها) می‌باشد که منجر به بحران، انقلاب و دیگر تغییرات از همه گسیخته اجتماعی می‌گردند (همان، ص ۱۷۵).

این مدل‌ها از لحاظ دید و منظر، دارای محدودیت‌های جدی هستند و نتیجه‌گیری آنها موجب یک تجزیه و تحلیل واقعی نمی‌شود.^{۲۸} با این حال از دهه ۱۹۶۰م. به بعد علائمی از وحدت بین این دو مدل وجود داشته است (همان، ص ۱۷۹ - ۱۷۸). که جملگی کوشش‌هایی در دست‌یابی به استنتاجات واقعی محسوب می‌گردند. تغییر فضاها^{۲۹} تاریخی پس از ۱۹۸۰م. ایجاب نمود که مدل‌های دیگری از فرایند تغییر اجتماعی (در نوعی رویکرد کاملاً بین رشته‌ای) مورد ملاحظه قرار گیرد همچون نظریه «تربیت الیاس» درباره فرایند تمدن، نظریه تغییر «میشل فوکو» در باب پیدایش جامعه قانونمند، نظریه «فرناند برودل» که تغییرات اجتماعی را با طبیعت زمان می‌سنجید، نظریه «ایمانوئل لوروآلدوری» که تغییر را در راستای محیط‌زیست و جمعیت مورد ارزیابی قرار می‌داد، «ناتان واشل» به عامل جمعیت در تغییر اجتماعی توجه داشته و «مارشال سالیز» که مدل تغییر را در چارچوب‌های فرهنگی می‌جست (همان، ص ۱۹۴ - ۱۸۳).

در تمام موارد فوق جامعه‌شناسان تاریخی، تعمیم‌هایی درباره رابطه بین ساخت‌ها و حوادث

در حوزه میدان مطالعاتی خود انجام دادند که زنجیره علت و معلول‌های آنها در خصوص تغییر تأکید بر تضاد و بین استمرار و تغییر عوامل داخلی و خارجی و در نهایت بین ساخت‌ها و رویدادها متمرکز بود (همان، ص ۱۹۴).

ارزیابی ما از کارایی نهایی این‌گونه یافته‌ها، همانا رویکرد حاکم بر متدهای بررسی و تحقیق در جامعه‌شناسی تاریخی می‌باشد که براساس سنت بین رشته‌ای، چالش‌گری پژوهشگران، ترکیبی از بازجست‌های تاریخی و جامعه‌شناسی خواهد بود. گرچه به‌لحاظ خصوصیات انحصاری مربوط به ماهیت علوم جامعه‌شناسی و تاریخ، رویکرد متناقضی در خصوص بررسی پدیده‌ها بر روند پژوهشی دو رشته حاکم می‌باشد، ولی همانگونه که در بحث «مسائل اساسی در همگرایی تاریخ و جامعه‌شناسی» در این مجموعه به میان آمد، کارورزان دو رشته در صورت مطالعه فرایند تغییرات اجتماعی گذشته، در التقاط‌گرایی اجتناب‌ناپذیری گره می‌خورند، حال آنکه مسئله تحقیق در پژوهش‌های جامعه‌شناسی تاریخی می‌بایست از جمیع جهات، روش‌های تحقیق رشته‌های مزبور را در بر گیرد. برخی از روش‌های اساسی در تحقیقات جامعه‌شناسی تاریخی که در استفاده از آنها مورخان و جامعه‌شناسان به‌تفاهم رسیده و پایه نوعی مطالعات ترکیبی را بیان نهاده‌اند عبارتند از: روش‌های مقایسه،^{۳۰} مدل و انواع،^{۳۱} روش‌های کمی،^{۳۲} روش‌های جزئی‌نگر اجتماعی^{۳۳} (همان، ص ۵۴ - ۳۹) و مکمل‌های تاریخی که جزء روش‌های شناخت‌ورزی محققان و عوامل تولید نظریات مربوط به تغییرات اجتماعی می‌باشند.

براساس چشم‌انداز پژوهشی فوق، جامعه‌شناسی تاریخی نزدیکترین شعب جامعه‌شناسی با دانش تاریخ می‌باشد که در بررسی پدیده‌ها به اصل تعمیم روی می‌آورد و از خلال منشورهای طبقه، قومیت، جنسیت و ...، به ساختارهای اجتماعی نگریسته و با استفاده از داده‌های تاریخی و به‌یاری الگوهای جامعه‌شناسی و با نوعی نگاه بین رشته‌ای می‌کوشد تا ساختارهای یک عرصه تاریخی در دوره نسبتاً طولانی را مورد بررسی قرار دهد (فوران، مقدمه ناشر، ص ۱۰) و نهایتاً به قوانین جامعه شمول و جهان شمول دست یابد. اهمیت مطالعات بین رشته‌ای همچون جامعه‌شناسی تاریخی نیز در همین است.

نتیجه

در آرایه سخن این مجموعه، مطرح نمودیم که رشته‌های علوم اجتماعی متأثر از تحولات

روش‌شناسانه علمیت‌باوری^{۳۴} و تجربه‌باوری علمی^{۳۵} سده‌های پس از عصر رنسانس می‌باشد که براساس نوعی دیدگاه یافت‌باورانه^{۳۶} بر قانونمند بودن جوامع و پدیده‌ها براساس اصل تعمیم‌پذیری معتقد می‌باشند. این رویکرد، با تراز ذهنی مورخان کلاسیک (سنتی) که به‌منحصر به‌فرد بودن پدیده‌ها با رعایت شرایط زمانی و مکانی محدود کننده نظر می‌دهد مغایر است. حتی مطالعاتی از نوع تاریخ اجتماعی که به مطالعه تک‌تک جوامع در گذشته می‌پردازد، فرایندِ تطور و تکامل پدیده‌ها را مبنای ضرورت‌های تاریخ‌نگرانه خود فرض نمی‌نماید.

با آنچه آمده این‌گونه مستفاد می‌گردد که مورخان در صورت اتخاذ نتایج استنتاجی قانونمند در تحقیقات خود می‌بایست محتاطانه از علوم کمکی دیگری همچون جامعه‌شناسی که مولد مفاهیم و نظریه می‌باشند کمک گیرند، چنانکه مورخان نیز اقدام به فراهم‌سازی داده‌های مطمئنی از خلال اسناد و منابع نموده و آنها را جهت بررسی در اختیار جامعه‌شناس قرار می‌دهند. نتیجه این همکاری بین دو رشته احیای جامعه‌شناسی تاریخی است که موضوع آن شناخت جامعه در گذشته و هدف آن آشنایی با قواعد و تحولات جامعه^{۳۷} می‌باشد.

بر این اساس مطالعات جامعه‌شناسی تاریخی با قصد تفسیر ثنوریک جامعه سرزمینی و تجربه‌اش در قلمرو تغییر اجتماعی صورت می‌گیرد، یک محقق در اینگونه مطالعات بین رشته‌ای، ریشه‌های پاسخ را در پیچیدگی ساخت جامعه، فرهنگ‌های سیاسی، صورت‌بندی‌های اجتماعی و موازنه‌های داخلی و خارجی پدیده مورد بررسی جستجو می‌کند. این نوع مطالعات می‌کوشد تا ضمن بررسی و نقد نظریه‌هایی در مورد پدیده‌های تاریخی جوامع، بر قوانین عام و کلی حاکم بر جوامع گذشته دست یابد (فوران، پیشگفتار، ص ۲۱ - ۲۰) و از این طریق حوادث آینده را بتواند رصد نماید. چنانکه در سطحی کلان برخی دستاوردهای جامعه‌شناسی تاریخی نوین را تا دست یافتن محققان به قوانین «نظم جهانی»^{۳۸} و قواعد «جهانی‌شدن»^{۳۹} ارتقاء می‌دهند.^{۴۰}

۱. جهت اطلاع از رویکردهای تاریخی در مطالعات جامعه‌شناسی نوین ایران نگاه کنید به: (خیره‌خواه، کتاب ماه، تاریخ و جغرافیا، ص ۸۹).

2. Interdisciplinary Approach.

3. Historical Sociology.

۴. به اعتقاد یکی از محققان نسبت به باورداشت‌های مورخان کلاسیک به این موضوع اشاره می‌نماید که مورخان یاد می‌گیرند که به‌بهبانۀ فدا کردن انگاره‌های عام (General Patterns) به جزئیات خشک و ملموس واقعیت توجه نمایند (برک، فلسفۀ تاریخ، روش‌شناسی و تاریخ‌نگاری، ص ۴۱۳).

۵. گاستون بوتو (Gaston Bouthoul) می‌نویسد که حوادث مورد بررسی مورخان برعکس جامعه‌شناسان غیرقابل پیش‌بینی است. وی در توجیه این نقص آن را در راستای شیوۀ کهن تاریخ‌نویسی ارزیابی نمود و معتقد است که این مسئله چیزی جز نفوذ سبک داستان‌سرایی قدیم (همانند نوعی روانشناسی دراماتیک) عهد باستان در تاریخ نیست (بوتو، ص ۴۹ - ۴۸۹).

۶. جهت اطلاع از علل و مراحل رویکرد مورخان به ضرورت شناخت تغییرات اجتماعی نگاه کنید به:

The New Encyclopedia Britanica, S. V, "Historical Development Of Sociology".

۷. تخصصی شدن مورخان در روش‌های مطالعه و بررسی در حوزه‌های خاص موجب گردید که مورخان قلمرو تحقیقات خود را در جریانی کاملاً یکتا و منحصر به فرد تلقی نموده به‌فرض آنکه نمونه‌های مشابه و موازی پدیده‌های مورد بررسی آنان در جاهای دیگر وجود ندارد (برک، فلسفۀ تاریخی ...، ص ۴۱۳).

۸. این نگرش در جهت نوعی «تقدس زدائی» از دیدگاه مورخان سنتی مؤثر واقع گردید که از طرز تفکر جادوئی پس از رانده شدن از علوم مادی به آنها پناه برده بودند. با این تحول مورخان شناخت طرز عمل نیروهای اجتماعی، ریتیم‌ها و دوران‌هایی که این نیروها را در بردارند ملاک نظر قرار داده و با شناخت توازن‌های جمعیتی، اقتصادی و سیاسی، بررسی هر نوع اقدامات دسته‌جمعی از نوع تحولات اجتماعی را در راستای یک علم تاریخ‌عاری از تعصب و احساسات پی‌ریزی نمودند (بوتو، ص ۴۹۵).

۹. پوزیتیویسم Positivism یا اصل اثبات‌گرایی و اثبات‌گرایی منطقی، تجربه و مشاهده را

مقدم بر نظارتی می‌داند که وجود واقعی ندارند. بدین ترتیب دانش‌ها به شکل منطقی، عقلانی و منظم فقط از طریق تجربه و آزمایش اثبات گردیده و در این راستا پدیده‌ها تابع قانونمندی‌هایی می‌باشند و این قوانین با شناخت عینی و متکی بر تجربه خالص قابل کشف می‌باشند (طاهری، ص ۱۷).

۱۰. جامعه‌شناسان براساس مصاحبه، پرسشنامه و نظام‌های آماری مبتنی بر تحقیقات عینی، میدانی و آزمایشگاهی عمل نموده و نتایج به دست آمده را بر این اساس که جزء معلومات - نه معتقدات - بوده و رهیافت کارکردی Functional Approach دارد، نتایج بررسی‌های ویژگی‌نگر جامعه‌شناسی را کارکرد گرایانه یا فانکسیونالیسم Functionalism نامیدند. (نک: بوتو، ص ۱۹۴؛ برک، فلسفه تاریخ ...، ص ۴۲۷ و آشوری، ص ۱۴۴).

۱۱. فرایند «ساختمندشدن» Structuration یا ساختمندی در عصر حاضر تکیه کانون توجه جامعه‌شناسان می‌باشد (برک، فلسفه تاریخی ...، ص ۴۱۱).

۱۲. تاریخ اغلب یک نهاد اجتماعی یا پدیده اجتماعی را از آغاز پیدایش آن توصیف می‌کند در صورتی که جامعه‌شناس به تجزیه و تحلیل امور وقایع اجتماعی و توجیه علل آنها می‌پردازد و ارتباط میان آنها را تبیین می‌کند و از طریق مقایسه وقایع اجتماعی و توجیه وجوه مشترک میان آنها سعی دارد آنها را تعمیم دهد. بنابراین جامعه‌شناسی و تاریخ مکمل یکدیگرند. مورخان هنگامی که به تجزیه و تحلیل امور و یافتن علل آنها می‌پردازند به جامعه‌شناسی نیاز دارند. جامعه‌شناسی هم در بررسی نهادها و امور اجتماعی و تحلیل ریشه‌های آن از تاریخ مدد می‌گیرد. به عنوان مثال بررسی سلسله ساسانی تا حمله اعراب یک بررسی تاریخی است ولی تبیین ساخت حکومت، جمعیت، ویژگی‌های سازمان‌های سیاسی آن در ارتباط با سایر ابعاد سطوح جامعه ساسانی مانند خانواده، جمعیت، گروه‌ها، طبقات اجتماعی و امور مشابه دیگر و بالاخره کشف علل و آثار نتایج سقوط این سلسله امری جامعه‌شناختی است (قلی‌زاده، ص ۲۶ - ۲۵).

۱۳. طرفداران مکتب آنال در تلاشند تا یک «تاریخ کلی» و زنجیره‌ای که پدیده واحدی را طی دورانی طولانی مورد بررسی قرار می‌دهد بررسی نمایند، آنان از آمار و ارقام موجود استفاده می‌کنند که نوعی رویکرد ساختاری - کارکردی است و از این طریق می‌باشد که می‌توانند بر تداوم‌ها و نظام‌های جامعه متمرکز شوند (اتکینسون، فلسفه تاریخ، روش‌شناسی و تاریخ‌نگاری، ص ۱۱۸).

۱۴. پیشگامان اولیه‌اش این دو نفر بودند. ضمن آنکه فعالیت‌های فرنان برودل نیز در این راستا در خور توجه است (مورخان و تاریخ اجتماعی، کتاب ماه، تاریخ و جغرافیا، ص ۹).

۱۵. شکل‌گیری تاریخ اجتماعی در فرانسه و بعد اروپا با دغدغه‌های کاملاً علمی همراه بوده است، در صورتی‌که این گرایش در ایران با افکار سیاسی و گرایش‌های چاپ‌گرایی و مارکسیسم توأم گردید (همان، ص ۹).

16. History From Below.

۱۷. سوبالترن Subaltern مکتب تاریخ‌نگاری جدیدی است که در نتیجه ترقیات تاریخ‌نگاری آنالز به وجود آمده، این مکتب تاریخ‌نگاری در چند دهه گذشته در آسیا و اروپا به تدریج در حال گسترش یافتن بوده است. پیشقدمان آن نیز هندی‌ها بودند. موضوع این تاریخ‌نگاری طبقات پایین جامعه است از آنجا که به عقیده دنباله‌روان سوبالترن، مهاجران و کارگران پایین‌ترین طبقه اجتماعی هستند بنابراین تاریخ‌نگاری سوبالترن نیز بیشتر به تحقیق درباره آنان می‌پردازد (خیراندیش، ضرورت توجه به تاریخ‌نگاری سوبالترن در ایران، کتاب ماه، تاریخ و جغرافیا، ص ۱ و ۳).

۱۸. در تاریخ اجتماعی روش‌های بررسی عبارتند از مصاحبه‌های ژرفنایی در تاریخ شفاهی به صورت میدانی، خاطره‌نویسی، مطالعه در اسناد و مدارک به صورت گسترده، استفاده از اطلاعات مردم‌شناسی اجتماعی، جمعیت‌شناسی و استنتاجات جامعه‌شناسی (مورخان و تاریخ اجتماعی، مصاحبه با تورج اتابکی، کتاب ماه، تاریخ و جغرافیا، ص ۱۲؛ خیراندیش، ضرورت توجه به تاریخ‌نگاری سوبالترن در ایران، همان، ص ۵).

19. History Of Sociology.

20. Social Philosophy.

۲۱. دورانی که با تحول بنیادین تفکر در آغاز رنسانس در برابر انسان‌ها گشوده شد، در قرن هیجدهم و نوزدهم میلادی به تلاش در جهت دوری از اندیشه‌های ذهنی و احساسی منجر گردید که رهنمود آنان در این رابطه تلاش بر کشف رموز زندگی انسان با تکیه بر نظام‌های قانونمند اجتماعی بود (ساروخانی، ج ۲، ص ۲۰۵) بدین ترتیب رشته‌های علوم اجتماعی، منجمله تاریخ و جامعه‌شناسی با تأثیر از تحولات روشمندان (Methodological) این عصر جهت دستیابی به نتایج قابل اتکاء، پژوهش‌های خود را براساس روش‌های علمی بنیان نهادند که می‌توان همگرایی تاریخ و جامعه‌شناسی را در این راستا و در یک بستر تاریخی مورد مطالعه قرار داد قرابت آنها در قرن هیجدهم به واسطه ظهور آثاری چون، گفتاری در آداب و رسوم و عادات از ولتر، سقوط امپراطوری رم از گیبون قابل طرح است. در این دوره محققان در بررسی‌های خود با تکیه بر تاریخ به بررسی پدیده و امور اجتماعی می‌پرداختند. عمده‌ترین زمینه‌های جدایی این دو رشته در اواخر قرن ۱۹ م. عبارتند از: ظهور لئوپلد فن‌رانکه آلمانی و

توجه به تاریخ، تنها به عنوان ابزاری برای رشد و ارتقای وحدت ملی؛ تحول و انقلاب در منابع و روش‌های تاریخ‌نگاری و تمایل به سوی اسناد و مدارک. این روند در اوایل قرن ۲۰ به سمت و سوی دیگری گرایش پیدا کرد و این بار نظریه‌پردازان اجتماعی بودند که با ترکیب مواد تاریخی، پایه‌های جامعه‌شناسی تطبیقی را مستحکم ساختند و کسانی چون دلابلاشه (جغرافی‌دان) فردینان توینز (جامعه‌شناس) جیمز فریز (مردم‌شناس) کار خود را به عنوان مورخ دنیای باستان شروع کردند و بعدها ویلفرد دوپارتو، امیل دورکیم و ماکس وبر نیز تاریخ را چاشنی کار خود قرار دادند اما توجه به کار میدانی و آزمایشگاهی بار دیگر، زمینه افتراق بین تاریخ و جامعه‌شناسی را فراهم کرد. ظهور مکتب «آنال» در دهه ۱۹۲۰ زمینه پیوند و قرابت دوباره تاریخ و جامعه‌شناسی را فراهم کرد و فرنان برودل بر این باور تأکید ورزید که این دو رشته نزدیک شوند زیرا پژوهشگران این دو رشته سعی دارند تجربه انسان را به صورت یک کل ببینند. احیای جامعه‌شناسی تاریخی در دهه ۱۹۸۰م. از جانب آنتونی گیدنز، مایکل مَن و چارلز تیلی متضمن کوشش‌هایی در التفاضل‌گرایی جامعه‌شناسی و تاریخ بود (احمدی، کتاب ماه، تاریخ و جغرافیا، ص ۸۲ - ۸۱؛ برک، فلسفه تاریخ ...، ص ۴۱۵ - ۴۰۸؛ برک، تاریخ و نظریه اجتماعی، ص ۱۸۰).

22. Events

23. Structure.

۲۴. بعضی از این «مدل‌ها» تک خطی (Liner) هستند مثل فلسفه یهودی و مسیحی در مورد تاریخ، چنانکه مدل نوسازی در رابطه با توسعه نسل که بین جامعه‌شناسان و اقتصاددانان رایج بود. همچنین برخی مدل‌ها تغییر را مبتنی بر عوامل درونی دانسته و اغلب جامعه را با ماهیت‌های ارگانیکی مثل رشد (Growth) تکامل (Evolution) و انحطاط (Decay) توصیف می‌نمایند. در مقابل برخی به مدل‌هایی که بر عوامل بیرونی تکیه دارد تأکید می‌ورزند و از اصطلاحاتی مانند قرض (Borrowing) تقلید (Imitation) و انواع آن استفاده می‌کنند (برک، تاریخ و نظریه اجتماعی، ص ۱۶۴) البته متذکر شویم که یک «مدل» یا «الگو» ممکن است بر اثر تلفیق نظریه‌های موجود در جامعه‌شناسی تهیه شده باشد ولی هر یک به تنهایی وافی مقصود نیست و فقط بخشی از الگوی کلی را تشکیل می‌دهد (فوران، ص ۳۴).

25. Structural Differentiation.

26. Social Formation.

27. Modes Of Production.

۲۸. این مدل‌ها برای تبیین صنعتی‌شدن قبل از نیمه قرن هیجدهم، چندان رضایت‌بخش نیست

برای مثال جامعه سنتی Traditional Society در مدل اسپنسر و جامعه فئودالی Feudal Society در مدل مارکس مقولات رسوب‌یافته باقیمانده‌ای هستند که ویژگی‌های اصلی جامعه مدرن و سرمایه‌داری به‌سادگی در این مدل‌ها وارونه و معکوس می‌شوند و براساس چنین نقاط ضعفی است که مدل آنها موجب یک تجزیه و تحلیل واقعی نمی‌شوند (برک، تاریخ و نظریه اجتماعی، ص ۱۸۱-۱۷۹).

۲۹. از مشخصات فعالیت‌های جامعه‌شناسی تاریخی پس از سال‌های ۱۹۸۰ میلادی عبارتند از: توجه به‌دنیای ماقبل صنعتی به‌طور اعم و به‌تاریخ اوایل اروپای مدرن به‌طور اخص، توجه به‌مسئله ظهور غرب و تحولات آن، توجه به‌تلاش دولت‌های جهان در راستای تفوق سیاست خارجی در سطح بین‌الملل و چگونگی رشد دولت‌ها از لحاظ اقتصادی در بستر جغرافیای سیاسی (همان، ص ۱۸۲-۱۸۰).

۳۰. Comparison؛ مقایسه یعنی مطالعه تغییر همزمان Concomitant Variation به‌عنوان نوعی تجربه غیر مستقیم می‌باشد که از طریق آن جامعه‌شناس از توصیف یک جامعه به‌تحلیل اینکه چرا آن جامعه شکل خاص می‌گیرد حرکت می‌نماید. بعدها که جامعه‌شناسان، مقایسه بین همسایگان را از مقایسه بین جوامع که از یکدیگر در مکان و زمان دور هستند جدا کردند، برای مورخان این امکان فراهم گردید که تا از امکانات روش مقایسه‌ای در جستجوی دلایل حل مسائل خود بهره‌مند شوند، در این رابطه تاریخ می‌بایست به نوعی رویکرد مقایسه‌ای هدایت شود، چرا که با مقایسه منظم بین حوزه‌های مختلف اقتصاد، سیاست، مذهب ... می‌توان خصایص ممتاز پدیده‌های مورد بررسی را درک کرد در صورت چنین اتفاقی یکی از ارکان مقدماتی پژوهش جامعه‌شناسی تاریخی شکل می‌گیرد که دو رویکرد خاص‌گرایی Particularizing و عام‌گرایی Generalizing (یا تاریخی و نظری) هستند که یکدیگر را تکمیل می‌کنند (همان، ص ۳۲-۳۱ و نیز نک: فوران، ص ۳۴).

۳۱. Model And Types؛ مدل عبارتست از ساخت ذهنی که واقعیت را به‌منظور تأکید نمودن بر واقعیت‌های جاری، عمومی و نمونه‌ای که مدل در آن شکل دسته‌ای از ویژگی‌ها یا مشخصات را نشان می‌دهد، ساده می‌کند. مورخان در صورت رویکرد بین‌رشته‌ای به‌استفاده از مدل، تئوری و مفاهیم و اصطلاحات فنی دیگر علوم، منجمله جامعه‌شناسان رهنمون می‌شوند. براساس این رویکرد می‌توان از مطالعه واقعیت‌های مجزا به‌طرف مطالعه سیستم‌ها حرکت نمود و به‌طور کلی این سیستم‌ها در شکل «مدل‌ها» مورد بحث واقع می‌شوند. مثل مطالعه درباره تغییرات نمادهای کشوری خاص که در غالب مدل‌های تحقیق جامعه‌شناسیک قابل دستیابی می‌باشد (برک، تاریخ و نظریه اجتماعی، ص ۴۰-۳۸).

۳۲. Quantitative Methods؛ روش‌های کمی تحقیق مبتنی بر جامعه آماری برای مورخان سودمند است. مثلاً متخصصان تاریخ معاصر اغلب با پاسخگویان مصاحبه می‌کنند و گاهی این مصاحبه‌ها را به‌لحاظ آماری تجزیه و تحلیل می‌نمایند، روش‌های تحلیل محتوا یا سنجش واژه‌ها Lexicometry در اسناد تاریخی به‌کار برده می‌شود. بنابراین تحلیل آماری مجموعه‌ای کاملاً متناسب با نیاز مورخان است که دستاورد آنها از این طریق مورد استفاده پژوهشگران جامعه‌شناسی تاریخی نیز خواهد بود (همان، ص ۴۴-۴۳).

۳۳. The Social Microscope؛ روش‌های جزئی‌نگر اجتماعی جهت انتخاب نمونه‌ای خاص برای اینکه عمق آن مورد مطالعه قرار گیرد بسیار جالب است. چنانکه مورخان نیز می‌توانند، موقعیت‌ها را در سطحی خیلی کوچک معرفی نمایند. روش «تاریخ خرد» گرایانه با مطالعات اجتماعی که توسط جامعه‌شناسان انجام می‌پذیرد مشترکات زیادی دارد در این روش تضادها در مقیاسی کوچک، آشکارکننده تنش‌های پنهان جوامع در سطحی کلان می‌باشند (همان، ص ۵۴ - ۴۹).

34. Scientificalism.

35. Scientific Empiricism.

36. Positivist.

۳۷. این تحولات گاهی کلان Macro و گاهی خرد Micro می‌باشد. حال اگر پدیده‌های مورد بررسی واقع شده یک جامعه‌شناس در ابعاد کلان باشد تا حدی که تاریخ را نیز دربرگیرد، آنگاه نوع بررسی در قالب مطالعات جامعه‌شناسی تاریخی قرار خواهد گرفت.

38. World-system.

39. Globalization.

40. "Historical Sociology". 23 March 2000. (2005/08/1):

<<http://Leroy.cc.uregina.ca/~gingrch/M2100.htm>>

در عصر حاضر توجه به‌علوم اجتماعی منجمله تاریخ و جامعه‌شناسی به‌علت دستاوردهای پر اهمیت آن در حیات اجتماعی بشر مورد توجه دولت‌های مدرن می‌باشد به‌عنوان مثال مراکزی در انگلستان موجود است به‌نام Science Policy Units که وظیفه دارد زمینه‌های لازم برای تغییر گرایش دانشجویان رشته‌های تجربی به‌علوم نظری را فراهم آورد (نک: مورخان و تاریخ اجتماعی، کتاب ماه، تاریخ و جغرافیا، ص ۶).

منابع و مأخذ

- آشوری، داریوش. فرهنگ علوم انسانی: انگلیسی - فارسی. تهران: نشر مرکز، چ ۳، ۱۳۸۴.
- اتکینسون، آر. ف و دیگران. فلسفه تاریخ: روش‌شناسی و تاریخنگاری. ترجمه و تدوین حسینعلی نوذری. تهران: انتشارات طرح نو، ۱۳۷۹.
- احمدی، حسین. «نقد و بررسی کتاب: فلسفه تاریخ، روش‌شناسی و تاریخنگاری» کتاب ماه، تاریخ و جغرافیا. سال ششم. ش ۷-۶ (۱۳۸۲): ۷۸-۸۴.
- اشپولر و دیگران. تاریخنگاری در ایران. ترجمه و تألیف یعقوب آژند. تهران: انتشارات گستره، ۱۳۸۲.
- برک، پیترو. تاریخ و نظریه اجتماعی. ترجمه غلامرضا جمشیدیها. تهران: مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، ۱۳۸۱.
- خیراندیش، عبدالرسول. «ضرورت توجه به تاریخنگاری سوبالترن در ایران» کتاب ماه، تاریخ و جغرافیا. سال هفتم. ش ۷-۶ (۱۳۸۲): ۴-۵.
- خیرخواه، رسول. «رویکردهای تاریخی در مطالعات جامعه‌شناسی نوین ایران» کتاب ماه، تاریخ و جغرافیا. سال ششم. ش ۷-۶ (۱۳۸۲): ۸۹.
- روسک، جوزف؛ وارن رولند. مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی. ترجمه بهروز نبوی و احمد کریمی. تهران: نشریه مؤسسه عالی حسابداری، ۱۳۵۰.
- ساروخانی، باقر. روش‌های تحقیق در علوم اجتماعی، ج ۲. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، چ ۲، ۱۳۷۸.
- صدیقی، عبدالحمید. تفسیر تاریخ. ترجمه جواد صالحی. تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چ ۲، ۱۳۶۶.
- طاهری، ابوالقاسم. روش تحقیق در علوم سیاسی. تهران: نشر قدس، چ ۳، ۱۳۸۲.
- فوران، جان. مقاومت شکننده، تاریخ تحولات اجتماعی ایران: از صفویه تا سالهای پس از انقلاب اسلامی. ترجمه احمد تدین. تهران: مؤسسه خدمات فرهنگی رسا، چ ۲، ۱۳۷۸.
- قلی‌زاده، آذر. مبانی جامعه‌شناسی. کاشان: انتشارات محتشم، چ ۲، ۱۳۷۶.
- گفت و گو با تورج اتابکی «مورخان و تاریخ اجتماعی» کتاب ماه، تاریخ و جغرافیا. سال هفتم. ش ۱ (۱۳۸۲): ۶-۱۹.

محسنی، منوچهر. مقدمات جامعه‌شناسی. بی‌جا: ناشر مؤلف. ۱۳۷۰.

محسنی، منوچهر. جامعه‌شناسی عمومی. تهران: کتابخانه طهوری، چ ۱۲، ۱۳۷۲.

محمد فرهانی، رضا. جامعه‌شناسی علمی و پویه تاریخ. بی‌جا: بی‌نا، ۱۳۶۰.

منصوریان، محمدکریم. روش‌های پژوهش کیفی و کمی در علوم اجتماعی. شیراز: انتشارات نوید، ۱۳۸۱.

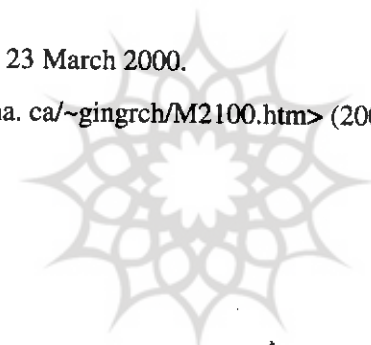
موسکا، کائانو؛ بوتو، گاستون. تاریخ عقاید و مکتب‌های سیاسی: از عهد باستان تا امروز. ترجمه حسین شهیدزاده. تهران: انتشارات مروارید، چ ۲، ۱۳۷۱.

نبوی، بهروز. مقدمه‌ای بر روش تحقیق در علوم اجتماعی. تهران. ناشر کتابخانه فروردین، چ ۲۰، ۱۳۸۰.

The New Encyclopadia Britanica, 1994, Vol 27, S.V. "Historical Development Of Sociology"

"Historical Sociology" 23 March 2000.

<<http://Leroy.cc.uregina.ca/~gingrch/M2100.htm>> (2005/08/01)



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی